

# ماجرای آزادی بانوان

بحثیکه نقل محافل است - تحول حقوقی زن در اروپا - چگونه دامنه آزادی زن به شرق زمین کشید ؟ - ارتباط سازمان فطری زن با حقوق او - آثار عاطفه زن و تفکر مرد - حقوق مشترک زن و مرد از نظر اسلام - مباحث آینده

## بحثیکه نقل محافل است

داستان حقوق زن و آزادی او ، از مسائل زنده و مورد توجهی است که در چند سال اخیر مطرح محافل شرقی است ، کشورهای اسلامی با این بحث مواجهند و مجامع مختلف اثباتاً و نفیاً در این زمینه دست به کار گونی دارند .

گاهی هم این مطلب از حدود بحث گامی فراتر نهاده و بیدان عمل وارد میشود ؛ و جست و جویته نموده های خاصی در محیط های اسلامی میکند ، و میرود که دامنه این آزادی و تساوی حقوق ، توسعه بیشتری پیدا کرده ، و صحیح یا ناصحیح ؛ بر احوال حساس و احياناً زننده و خطرناکی برسد .

طبیعی است در این گفتگو ها و یا اقدامات ؛ پای اسلام هم بمیان کشیده میشود و تفسیرهای گوناگون درباره نظر اسلام در این زمینه میشود :

گروهی نظر اسلام را بتمام معنی ، بعنوان مخالف هر گونه آزادی و ترقی زنان تلقی کرده و چنین می پندارند که اسلام خواسته است تا زن موجودی پست و ضعیف النفس ؛ يك پارچه اسیر دست مردان بوده ، و از کلیه مزایای حقوقی و اجتماعی محروم باشد ، هیچگونه اختیار در مال و عرض ؛ و حتی در انتخاب شوهر و تعیین سر نوشت خود ، نداشته باشد . از نعمت

سواد و تحصیل بی بهره بوده و چشم و گوش بسته در ازوغوغای اجتماع در گوشه خانه مانده و گوش بفرمان شوهر باشد. منشأ هیچگونه اثر و فعالیت در محیط وسیع انسانی نبوده بیچاره و محکوم، زندگی کرده و با پستی و ذلت جان دهنده، این یک نوع تصور؛ درباره نظر اسلام در پیرامون حقوق زن است.

از طرفی جمعی هم بجانب افراط افتاده، و خیال دارند قوانین اسلام را به همراه هوسها و افکار خود، تا گاو ماهی پیش برده و این آئین مقدس را همگام خود در تمام مراحل بدانند و چنین قضاوت کنند که اسلام بزن همه گونه حق و آزادی داده است؛ باید زن دوشادوش مرد، در کلیه شئون اجتماعی دخالت کرده و از همه جهت همچون مرد باشد؛ گاهی در میدان جنگ جلوه کند، و زمانی بکرسی و کالت و وزارت تکیه زند، زمانی هم آستین بالا زده و موشک با آسمان پرتاب کند، گاهی فرماندهی جنگ را بعهده گرفته و زمانی پیمان صلح را امضاء نماید.

و بالاخره ساعتی هم پایای مردان بر قصد؛ و گاهی هم بازو و بازوی هر آشنا و بیگانه در دریا و با استخرهای عمومی شنا کند...

تازه اینها کسانی هستند که میل ندارند، یا با دور نظر گرفتن شرائط محیط، صلاح نمیدانند؛ و رسماً مواد حقوقی اسلامی را زیر پا گذارند، از این روسعی دارند؛ حتی الامکان قوانین اسلام را برنگ خواسته ها و هدف خود تفسیر و تأویل کنند.

جمع دیگری هم، بدون هیچگونه مجامله و احتیاط؛ خیلی صریح و بی پرده هدف خود را تعقیب می کنند، چکار دارند که کشور، کشور اسلامی است، قانون اساسی چه میگوید؟ مردم این سرزمین به پیروی از منویات اسلام مفتخرند. هر چه باشد آنان بدنبال افکار خود پیش می تازند و به تقلید و پیروی از دیگران مینازند...

اما این بحث چگونه پیدا شد و از کجا سرچشمه گرفت؟ بحثهای ذیل باین سؤال پاسخ میدهد:

### تحول حقوقی زن در اروپا

زن در دوران توحش و حکومت قبائل؛ حکم حیوان و اثاث خانه را داشت که دست بدست میگشت و فقط برای استفاده شهوانی و انجام کارهای کم ارزش و پست نگاهداری میشد از کلیه مزایای حقوقی انسانی بی بهره بود، اسیری بود که برای استفاده همه جانبه مرد ادامه حیات میداد؛ نه برای بهره بردن و زندگی کردن و استفاده از مزایا و حقوق بشری.

بالاخره در جوامع نیمه وحشی یا متمدن بشری هم مورد بحث واقع شد و قضاوتهای گوناگون ذیل درباره او میشد:

زن بلبیدی و قدارتی است که شیطان او را آفریده است .  
 روح انسانی ندارد ؛ در نتیجه زندگی اخروی هم ندارد .  
 عمل زن مقبول در گناه پروردگار نیست .  
 چون وسیله اغواء شیطانی است ، باید او را آزار جسمانی کرد .  
 مرگ و سوزن و آتش از او بهتر است .  
 باید دختران را زنده بگور کرد تا این لکه ننگ شسته شود .  
 زن انسان است ولی برای خدمت بمرد آفریده شده است .  
 اینها و نظائر آن قضاوت‌هایی بود که مردم روم ؛ هند ، عربستان ؛ آتن و فرانسه در  
 باره زن میکردند .

در جوامع متقدم اروپا ؛ زن بعنوان انسان شناخته شد ولی از بسیاری از مزایای حقوقی  
 انسانی بی بهره بود ، تا آنجا که میگفتند : زن جز اتباع مملکت نیست ؛ حقوق شخصیه ندارد  
 شوهری را که اولیاء دختر برایش پسندند باید بپذیرد ؛ در اموال خود تصرف نکند کلیه  
 تصرفات در اموال او توسط شوهر انجام گیرد ؛ وسیله عیاشی و کامرانی مردان است  
 برای آن نگاهداری میشود که در خصوص امر زراعت و کارهای داخلی باو احتیاج  
 دارند ، و از طرفی از جنبه غریزه جنسی و اطفاء شهوت از او ناگزیرند . والا شخصیت بارز  
 حقوقی ندارد .

تا قبل از انقلاب صنعتی خانواده های اروپائی بزندگی ساده و محقر خود ادامه میدادند  
 زنان در امر زراعت کمک میکردند و اداره امور خانه را به عهده داشتند و احياناً با صنایع  
 مختصر دستی در محیطهای کوچک خانوادگی سرگرم بودند ولی اصول خانوادگی  
 و اجتماع زن و شوهر و فرزندان در یک محیط و آمیزش و انس و الفت آنان محفوظ بود .

انقلاب صنعتی ، کارخانه های وسیع و صنایع سنگین دستجمعی را بوجود آورد و احتیاج  
 فراوان بکارگران مختلف ، خانواده ها را بهم زد ، زنان و کودکانرا از محیطهای گرم  
 خانوادگی و گوشه های دهات و شهرها برآ کر صنعتی کشاند .

کار خسته کننده ، تفرقه افراد خانواده ، آمیزش نامشروع زن و مرد بیگانه در محیط کار  
 فشار غرائز جنسی طرفین ، کوبیده شدن عواطف لطیف خانوادگی ، سوء استفاده کارگردانان  
 محیطهای صنعتی از آوارگی و بی سرپرستی زنان بفتح اطفاء شهوت و اشاعه فساد ، زمینه  
 را برای يك انقلاب آماده میکرد .

زنها احساس کردند: که بار زندگیشان بدوش خود آنهاست، از کلیه مزایای عاطفی و پناهگاهها و دلخوشیهای خانوادگی محروم شده‌اند، شوهر و اولاد و عفت و همه چیز خود را ازدست داده‌اند، و با آنکه جریان جنگ ملیونها نفر مردان و جوانان را در حلقوم خود بلعیده؛ و صاحبان کارخانه‌ها برای بگردش انداختن چرخهای عظیم صنعتی خود، احتیاج مفرط بزنان داشتند باز هم بانان ستم میکنند، و برای آنان ارزش واقعی قائل نیستند، و علاوه از آنکه بانها دستمزد کافی نمیدهند، و تفاوت زیاد بین مردان و زنان نمانند، آنان را بانواع آلودگی‌ها و فساد سوق میدهند، و این زنان بی‌پناه در اثر فشار زندگی و نداشتن لانه و آشیانه بهر گونه زلت و فساد تن میدهند.

احساس کردند که همه چیز خود را برباد داده‌اند، و بار میکشند و دم نمیزند، و ستم می‌بینند و اظهار وجود نمیکنند. علی الظاهر دوشادوش مردان کار میکنند ولی در واقع جز ستم‌دیدگان بارکشی بیش نیستند؛ که اسیر دست يك مشت هوسران شده، و هر ساعتی در دامن کسی تن بهر گونه بی‌آبرویی میدهند؛ و تازه دستمزد اجرت کار آنها هم ناچیز است.

این فشار، این احساس، این زمینه، ایجاب کرد که ناگهان برخیزند، اعتصاب کنند؛ زندانی شوند؛ کشته دهند و بالاخره با خطابه و نگارش و پشتکار بمرکز قدرت راه پیدا کرده و در مجامع قانونگزاری قدم گذارند و رفته رفته گذشته از اجرت کار از خیلی جهات برای خود حقوق مساوی دست آورند و در کلیه شئون شرکت کنند اما این آزادی و تساوی حقوق بتمام معنی، تاچه اندازه بنفع زن و مرد تمام شد و تاچه حد بضرر آندو؟ این خود بحث مفصلی است که در فصول آینده مطرح میشود.

### چگونه دامنه آزادی زن بمشرق زمین کشید؟

اروپا بایست صنعتی خود توانست، در دنیا تفوق صنعتی کسب کند، و بدنبال این تفوق رفته رفته دنباله فعالیت خود را توسعه داده و تلاش خود را در جهات دیگری هم بکار برد و همراه با هو و جنجال و نمود های مختلف تمسک خود، توانست برای خود سیادت دست آورد و ملل عقب افتاده دنیا را یک پارچه بخود متوجه سازد، تا آنجا که ملل شرقی بحدی مرعوب و فریفته اروپا شدند، که چنین پنداشتند آنچه آنها پیوستند، آنچه بنوشند؛ آنچه بگویند و هر چه فکر کنند آدابشان اخلاقشان؛ قوانینشان، حقوقشان؛ و بالاخره همه چیزشان، هیچگونه نقطه ضعف نداشته و بتمام معنی لقمه لذیذی است که باید آنرا بلعید و چشم و گوش بسته در مقابل افکار آنان تسلیم شد.

اراده ها ، جربزه ها ؛ شخصیتها ؛ سرمایه های مادی و معنوی ؛ سنن و آداب منہبی و ملی ، همه بخاک پای دگران تقدیم شود و حلقه بندگی آنانرا بی چون و چرا در گوش کنیم .

بدنبال این دلباختگی و ضعف روحی چشمها خیره شد ، تا هر روز از فرآورده های اروپا چه سوغاتی میرسد تا از آن استقبال کرده ؛ و بدنبال آن جار و جنجال راه انداخت ؛ هیاهوی آزادی زن و نمودهای عملی آن بکشورهای اسلامی راه پیدا کرد ؛ و چون از اروپا بود مورد توجه قرار گرفت گرچه در اروپا این داستان زمینه داشت و مقدمات و شرایط خاصیکه بآن اشاره شد ؛ ایجاب میکرد ؛ ولی در کشور های اسلامی این شرایط نبود .

اسلام از قرنهای قبل - بتفصیلیکه خواهد آمد - برای زن شخصیت قائل شده بود ؛ کلیه مزایا و حقوق انسانی را باوداده و در زمینه های مقتضی حقوق خاصی هم بنفع او جعل کرده بود . و خلاصه برای پرو بال دادن و افزودن آبرو و شخصیت حقوقی جنس زن ؛ در حدود مقتضیات فطری و ساختمان جسمی و روحی او ؛ عالیترین طرح را ریخته بود .

از طرفی توسعه صنایع و زمینه درهم ریختن خانواده ها و پیش آمدن معرومیت و ستمکشی زنان که در اروپا ایجاب یک انقلاب میکرد ؛ در این کشورها وجود نداشت ، ولی فقط همین که دیگران کردند و ما هم نباید از قافله عقب بمانیم ؛ از اروپا آمده و آنچه از آنجا آمده وحی آسمانی است . و از طرفی این مسئله ، بالخصوص ، از مطالبی است که هوسا و شهوات هم آنرا تأیید میکنند ، موجب شد که گروهی سنگ آزادی زنان را بسینه زده و پای این علم گرد آیند ، و کار با آنجا بکشد که می بینیم و تازه هنوز این داستان دنباله دارد که باید آینده درخشانش ؛ را منتظر بود .

### ارتباط سازمان فطری زن با حقوق او

از این بیعد وارد اصل موضوع شده و سعی می کنیم خالی از هر گونه تعصب ، دوران مقتضیات محیط ، کنار از هیاهوی هواداران تمدن ، درباره حقوق زن از نظر اسلام بحث کنیم ، قبلا باید بطور اختصار زن و مرد را از نظر ساختمان جسمی و جنبه های بیولوژی (زیست شناسی) و پسیکولوژی ( روانشناسی) مطالعه کرده و به بینیم : آیا این دو موجود هیچگونه اختلافی از جهات فوق دارند؟ و اگر اختلافی دارند آیا این تفاوت ایجاب میکند که در بعضی موارد هر یک حدود و حقوق خاصی داشته باشند؟ و بالاخره آیا اختلاف حقوقی در موارد خاص ، باشخصیت انسانی و ارزش اجتماعی یکی از طرفین منافات دارد پانه ؟ ۱۰۰

باتوجه بموجودات جهان ، تفاوت و اختلاف محسوس بین پدیده‌های این عالم دیده میشود ؛ هرصحنه از آن جلوه خاصی است که با سایر نمودهای این دستگاه تفاوت دارد ، هر يك در حد خاص و شرائط مخصوص بخود قرار گرفته و بجای خود لطف و صفای ویژه ای دارد انواع حیوانات ؛ گیاهها ، درختها . . . باهم مختلف و همچنین افراد يك نوع آثار و علائم مخصوص بخود دارد ، منتهی تفاوت انواع صفتی و اختلاف افراد سطحی است ولی هر چه هست حتی دوفرد هم - ولو از يك جهت - بشام معنی مساوی نیستند ، تا آنجا که مثلا خطوط ریز نوك انگشتان هر فرد انسان ؛ نقش خاصی است که او را از سایر افراد ممتاز میکند ، تا چه رسد بسایر جهات و مزایا . . . .

بالاخره بطور محسوس می بینیم که مردم از نظر افکار ، استعدادها ، عواطف نیروی فکری و مادی ؛ حدود غرائز ، قیافه ؛ قد و وزن و بالاخره کلیه جهات بیرونی و درونی مختلفند اثر این اختلافات سطحی همان اختلاف مراتب و موقعیتهایی است که افراد در جامعه پیدا میکنند ، و هر يك بر حسب استعداد و شرائط خاص خود ، بگرداندن گوشه می از چرخهای اجتماع می پردازند ، بالاخره در اثر این تفاوت ، همه احتیاجات اجتماعی تأمین شده و کلیه چرخهای زندگی میگردد .

بامقایسه زن و مرد چند نوع اختلاف عمیق تر مشهود است که ناگزیر این دو جنس را در دو جناح قرار داده و بهر يك ، وظیفه و موقعیت مخصوصی میدهد .

از نظر ساختمان بدنی ( فیزیولوژی ) ؛ اعصاب ؛ استخوان بندی ، وزن ، قد ؛ خون و مغز مرد بهره بیشتری دارد ، و این خود نشان آن است که مرد برای کارهای سنگینتر و زیادتری آفریده شده است . ( ۱ )

#### ( ۱ ) در کتب فیزیولوژی مینویسند :

ساختمان بدن مرد از هر جهت ( عضلات ؛ خون ؛ استخوان ؛ قلب ؛ مغز ) با زن تفاوت دارد ؛ مغز مرد معمولاً در حدود ( ۱۰۰ ) گرم بیشتر از مغز زن است ؛ ریه مرد در حدود ( ۳۰۰ ) گرم بیشتر است ؛ وزن متوسط بدن مرد در حدود ( ۴۰۰۰ ) گرم سنگین تر از قل جسم زن است استخوان مرد از جهت وزن سنگینتر و استحکام آن بیشتر ؛ عضلات زن ضعیفتر و سبکتر است قلب متوسط یک مرد در حدود ۵۰ گرم سنگینتر از قلب یک زن متوسط است .  
چون اختلاف قوای روحی کاملاً وابستگی با اختلاف در اعضاء ظاهری ؛ دارد از این نظر میتوان گفت ، اختلاف روحیات زن و مرد بطریق حسن ثابت میشود .

قسمتی از مغز که مربوط به عواطف است در زن زیاد تر و بالمسکن ، ناحیه مربوط به فکر و دقت در مرد بیشتر است . و رو به مرگفته وزن مغز در مرد پیش از زن است بدن زن مجهز بدستگاه حمل و شیردادن است که این خود مزیت خاصی است و نشان میدهد که تربیت کودک هم بمهده اوست ؛ تربیت طفل احتیاج بماطفه شدیدی دارد که با خواسته های متلون و بهانه گیر بهای مبتدل او بسازد ، زن که بدنش مجهز بوسائل بار آوردن و تربیت کودک است ، لابد از نظر روانی هم مجهز بماطفه و احساس زیادی است ، تا نظم و ارتباط جهات محفوظ باشد گذشته از آنکه خواص و نمودهای عاطفی در زن خیلی بیشتر از مرد مشهود است و احتیاجی باستدلال ندارد .

### آثار عاطفه زن و تفکر مرد

عاطفه ؛ احساس رقت فروزان و شدیدی است که يك نوع گذشت و بی پروایی و حوصله و صبر ایجاد میکند . خیلی زود برانگیخته میشود و خیلی زود هم اثر میکند ، عمق نمیخواهد مقدار چینی ندارد ، به ترتیب تصورات و پی ریزی برای يك هدف دور دست احتیاجی ندارد . علاقه زیاد ، تأثر شدید ؛ سطحی و بی پایه ، ولی فروزان . این است معنی عاطفه . گریه طفل و لبخندهای او ، خیلی زود ؛ دل پر مهر مادر آرام کرده و عاطفه شدید او را بخود جلب میکند ، و در پناه احساسات سوزان مادر ؛ خواسته های بیگانه و مدام طفل تأمین میشود .

آه و ناله مریض ، رنگ پریده و اندام استخوانی او ؛ تنها در یکدل حساس اثر کرده و او را برای پرستاری خستگی ناپذیر خود آماده میکند .

تصور تلاش مداوم و رنج فراوان مرد در کش و قوس مبارزه زندگی ، بیشانی عرق آلود ؛ چهره فرسوده و اعصاب گرفته او ، رقت و عاطفه زن را تحریک میکند ؛ تا محیط منزل را برای شوهر بصورت يك آسایشگاه منظم ، آرام ، نشاط انگیز ، ترتیب دهد تا رنج تلاش حیات را در محیط گرم و با صفای خانوادگی جبران کند و خستگی روزانه را در سایه لطف و طراوت زندگی بدست فراموشی سپارد .

روح زیبا پرستی و تجمل دوستی زن ، میتواند بوضع لباس شوهر و کودکان و تجملات و تشریفات منزل سرو صورت دهد . بطوریکه از درو دیوار حیات برق حیات و فروغ زندگی بدرخشد .

در مقابل ، تلاش معاش و مبارزه زندگی ، دورانندیشی و استقامت بی گیر میخواهد و این هر دو احتیاج بتفکر دارد . عاطفه نمیتواند هدف دور دست را تماشا کند و عشق و علاقه به

نتیجه افسانه‌ای دهسال بعدرا در دل پیروراند و برای رسیدن بآن با همه تأملات موجود بسازد؛ این راه طولانی را طی کرده و باموانع بچنگد و شرابط نتیجه گیری ویشرفترا فراهم نماید.

عاطفه با جلوات فریبنده و رنگا رنگ محیط در مسیر تلاش حیات نیسازد این راه پر خم و پیچ احتیاج به نیرو می دارد که گاهی علیرغم وقت و احساس شدید، سنگدلی نشان داده و رام نشود؛ وزمانی با وجود جذب و علاقه فراوان، گذشت و سردی از خود بروز دهد، و بکمک این سنگدلیها و چشم پوشیها بسوی مقصد دور و سعادتبخش پیش تازد.

حفظ و اداره خانواده و دفاع از آن، در صحنه پر غوغای زندگی بهر صورت که جلوه کند و از هر طریق که حاصل شود، خواه با بریدن چوبهای جنگلی باشد یا بگردش انداختن چرخهای عظیم صنعتی و یا شرکت در میدانهای جنگ و یا تکیه زدن بسند حکومت و اداره اجتماع؛ همه احتیاج بتدبیر و پشتکار و دوراندیشی دارد، و با عاطفه و وقت و تأثر و احساس شدید نیسازد.

هر سازمان مصالح مخصوص بخود دارد؛ اداره شئون مختلف زندگی هم احتیاج بمواد مختلف دارد، گاهی فکر و گاهی عاطفه، گاهی ظرافت و احساس و زمانی استحکام و متانت. و چون باید همه چرخهای اجتماع بگردد، دستگاه آفرینش هر یک از زن و مرد را با یک نوع مواد و مصالح مجهز کرده و هر یک در حد خود داریش فراوان دارد و در جلوات و نمودهای خود، آثار و نتایج بارز و مفید.

و با این اختلاف در نوع سازمان و آثار آن؛ شخصیت هیچیک از طرفین کوییده نشده بلکه برای هر یک مسیر خاصی معین شده است.

این بحث در باره زن و مرد از نظر سازمان. اما از نظر اسلام:

### حقوق مشترک زن و مرد از نظر اسلام

اسلام بزن و مرد از نظر حقوق اساسی انسانی یک چشم مینگرد و علاوه از آنکه برای هر دو شخصیت انسانی قابل است؛ آن دو را در کلیه حقوق و مزایای بشری مشترک دانسته است آیات ذیل شاهد مدعی ما است:

- «ای مردم از خدایتان بپرهیزید، آنکه شمارا از یک شخص آفرید و همسر شما نیز»
- «از او آفرید و مردان و زنان بسیاری از آن دو پراکنده ساخت. . (نساء - ۱)»
- «ای مردم! ما شما مرد و زن را آفریدیم و دسته دسته و قبیله قبیله قراردادیم تا از هم»
- «شناخته شوید. گرمی ترین شما نزد خدا پرهیز کار ترین شما است. . .»
- «(حجرات - ۱۳)»



«عمل هیچ مردوزنی در نزد ما از بین نمی‌رود... (آل عمران - ۱۹۵) مردان»  
 «مؤمن و زنان مؤمن گروهی از آنان دوستدار گروه دیگریند؛ بکارهای خوب»  
 «و امیدارند نواز اعمال زشت جلو گیری میکنند، نماز پیا می‌دارند؛ زکوة میدهند؛»  
 «فرمانبردار خدا و رسولند. آنان بزودی مشمول رحمت پروردگار خواهند گردید»  
 «(توبه - ۷۱) مردان و زنان مسلمان، با ایمان، فرمانبردار، راستگو؛ بر دبار؛ خاشع»  
 «مسکین نواز؛ روزه دار؛ عقیف؛ آنها که بسیار یاد خدا میکنند؛ خدا بر ایشان»  
 «آمرزش و پاداش، بزرگی آماده ساخته است. (احزاب - ۳۵)

«ای کسانی که ایمان آورده اید؛ مردانی از شما مردان دگری را مسخره نکنند؛ چه»  
 «بسا آنان بهتر از مسخره کنندگان باشند، و همچنین زنانی از شما زنان دیگری را»  
 «استهزاء نمایند مباد آنان بهتر از زنان مسخره کننده باشند... (حجرات - ۱۱)»  
 «مردم را نسبت پیدرو مادر سفارش کردیم. مادرش باناتوانی دامم بوی حامله بود»  
 «بس از دو سال از شیرش بازداشت؛ (سفارش ما این بود) که شکر من و پدر و مادر»  
 «خود را بجای آر... (لقمان - ۱۴)

«زنها برای شما بمنزله لباسند و شما نیز برای آنها بمنزله لباسید (عیوب همدیگر را»  
 «حفظ و در زندگی بهم کمک می کنید) (بقره - ۱۸۷)» مردان از تر که پدر و مادر و نزدیکان  
 «بهره ای دارند زنان هم از تر که پدر و مادر و نزدیکان بهره ای» «دارند. (نساء - ۷)»  
 «مردان از آنچه بدست آورند نصیبی دارند؛ زنان هم از آنچه بدست می آورند»  
 «نصیبی دارند.. (نساء - ۳۷)

«زن و مردزناکار. بهر يك صد تازیانه بزیند و احساسات لطیف شما نسبت بآنان»  
 «مانع اجراء دستور پروردگار نگردد.. (نور - ۲)»  
 «دست مرد و زن دزد را بریند (این اجراء حد) پاداش عمل زشت آنها و... از»  
 «خداست.. (مائده - ۴۲)

«مردان با ایمان بگو که چشم خود را (از نظر بنامحرم) بیوشند دامن خود را از»  
 «آلودگی حفظ کنند... بزنان با ایمان بگو که چشم خود را بیوشند و دامن خود را»  
 «از آلودگی نگاه دارند... (نور - ۳۰-۳۱)»  
 «بفحش زن احکمی جعل شده که با آنچه علیه او تشریح شده معادل است»  
 «(بقره - ۲۲۸)

آیات فوقی بعنوان نمونه نقل شد و گر نه آیات فراوان دیگری است که صریحاً اسم زن  
 و مرد را میبرد و حکم دادر مورد هر دو جعل مینماید؛ گذشته از این صدها آیه است که با خطاب

«یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» شروع میشود که هر دو را شامل است. از آنچه نقل شد بطور خلاصه استفاده میشود که:

مردوزن هر دو انسانند - اسلام و ایمان و اطاعت از هر دو مطلوب است - اجرو ثواب و بهشت و رحمت پروردگار هر دو را شامل میشود - در عبادات مانند نماز و روزه، زکوة، امر بمعروف و نهی از منکر و... شریکند - ملاک شخصیت و فضیلت در هر دو تقوی است - احکام اخلاقی؛ مانند: حلم، راستی، خشوع، دستگیری از بیچارگان... از هر دو زینده است - هر دو از نظر چشم چرانی و حفظ دامن محدودند - سیئات اخلاقی از قبیل فحش و غیبت و استهزاء از هیچک زینده نیست - هر دو ارث می برند - حق مالکیت و تصرف در اموال برای زن و مرد محفوظ است - پدر و مادر هر دو باید بشدت مورد احترام اولاد باشند - نتیجه کار هر یک از زن مرد از خود اوست و نباید بهر رود - در مقابل قانون مساویند و زن و مرد مجرم باید مجازات شوند - و بالاخره اگر در موارد خاصی، زن از نظر حقوقی ضرر میکند؛ مواد دیگری از قانون این ضرر را جبران کرده و تعادل حقوقی ایجاد مینماید.

آیات دیگری در قرآن مستقلاً حقوق زن را مطرح نموده است و گاهی مردان را بحفظ حدود آنان توصیه میکند، زمانی هم روش گذشتگان را در مورد زنان بیادانتقاد میگیرد مثلاً در آیه ۹ سوره تکویر میفرماید:

« هنگامیکه در باره دختر زنده بگور شده سؤال میشود که بچه گناهی کشته شده است؟ گذشته از این قرآن در باره زنان نامی تاریخ ادیان، بطور رسمی بحث میکند و سرگذشت آنان را تا آنجا که در مسیر هدف خود قرار دارد بیان مینماید. عده این زنان بدواً زده نفر میرسد از طرفی با احترام زنان یک سوره در قرآن بنام سوره نساء نامگذاری شده است.

### مباحث آینده

تا اینجا بحث کلی در پیرامون احترامیکه قرآن برای زن قائل شده است و همچنین حقوق مشترک زن و مرد؛ بعمل آمد و تا حدی زمینه برای بحثهای آینده روشن شد. از این بیعد مناسب است هر یک از مباحث ذیل بطور مستقل عنوان شده، و روشن گردد که آیا اساساً، اسلام در این موارد برای زن حقی قائل شده یا نه؛ اگر حقی قائل شده آیا زن و مرد در این موارد اختلاف دارند؟ و اگر اختلاف دارند جهت این اختلاف و احیاناً محرومیت چیست؟

این مباحث عبارتند از: قضاوت - حکومت - ولایت - ارث - طلاق - حضانت طفل - کار - تحصیل - دیه - حد - شهادت - افتاء - جهاد - بلوغ - محاکمات و... -